فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، 8(3(پیاپی 31))، 33-21
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: 2870-2345

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی خوب بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه

سید محمدرضا سیدنورانی* استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فتح‌اله تاری دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حسن محمدپور دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: 99/02/03 **پذیرش:** 99/05/13

چکیده: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از منابع مهم تأمین‌کننده سرمایه کشورها محسوب می‌شود. دانش و تکنولوژی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان وارد می‌شود و منجر به افزایش رقابت، تخصیص بهینه منابع، افزایش مهارت نیروی کار، افزایش بهره‌وری و در نهایت افزایش اشتغال و رشد اقتصادی کشور میزبان می‌گردد. از طرف دیگر، با توجه به نقش تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذاری دولت، دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. حکمرانی خوب، هم از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر اشتغال اثر می‌گذارد و هم با بهبود فضای سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها موجب افزایش اشتغال می‌گردد؛ لذا با بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب، سیاست‌های اقتصادی؛ از جمله سیاست افزایش اشتغال با کامیابی بیشتری روبه‌رو خواهد شد. در این راستا با استفاده از الگوی داده‌های پانل برای دوره زمانی 2014-2000، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی خوب بر اشتغال برای کشورهای در حال‌توسعه، بررسی و با بهره‌گیری از روش EGLS به تخمین مدل پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه دارد اما متغیر حکمرانی خوب دارای تأثیر منفی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حکمرانی خوب، اشتغال، رشد اقتصادی، کشورهای درحال‌توسعه

طبقه‌بندی JEL: F21, J21, O47, R11

* نویسنده مسئول: seyednourani@atu.ac.ir

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

1- مقدمه

امروزه، اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر، از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه به شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که افزایش اشتغال، یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود (فرزام و همکاران، 1395). رشد روزافزون جمعیت و پایین بودن ظرفیت تولید، باعث بروز بحران بیکاری در دهه اخیر، به ویژه در کشورهای درحال‌توسعه شده و این پرسش را مطرح کرده است که برای ساماندهی اقتصادی و کاهش بیکاری، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در چه جهتی باید صورت گیرد. بیکاری یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای درحال‌توسعه می‌باشد که عواقب منفی زیادی را به دنبال داشته و موجب گردیده است که کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در رأس مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای مذکور قرار گیرد و سرمایه‌گذاری برای اشتغال‌زایی در این کشورها امری انکارناپذیر باشد (شهبازی و فتاحی، 1396).

طی دو دهه اخیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[1] به عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در عرصه حیات اقتصادی کشورها نمود بارزی یافته است؛ به‌طوری که منافع حاصل از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم در قالب مسائلی نظیر: افزایش رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و انتقال فناوری، افزایش توان رقابت، بهبود منابع مالی و انسانی و فواید متنوع دیگری از این قبیل می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی، رشد چشمگیری را طی سال‌های اخیر تجربه کرده است. هم‌زمانی این پدیده با افزایش اساسی تقاضا برای نیروی کار ماهر در طول دو دهه گذشته، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران را بر آن داشته تا به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان عاملی برجسته و اثرگذار در تغییرات اشتغال کشورهای سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر توجه کنند (مهدوی و عزیز محمدلو، 1383).

با توجه به شرایط کنونی اقتصادی ایران که در آن مسئله بیکاری از جمله مشکلات حاد کشور محسوب می‌شود، اجرای اقداماتی در راستای تسریع رشد اقتصادی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی که منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و در نتیجه کاهش بیکاری می‌گردد، ضروری است. اما ایران نیز همانند بسیاری کشورها برای رونق تولید و ایجاد اشتغال و هم‌چنین دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، با مشکل کمبود منابع برای سرمایه‌گذاری روبه‌رو است؛ لذا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از عوامل مهم تأمین‌کننده یا مکمل منابع داخلی می‌تواند نقش مؤثری در افزایش تولید و اشتغال داشته باشد.

از طرف دیگر، دولت‌ها با توجه به نقش سیاست‌گذار، تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز خود، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند و تا زمانی که دولت‌ها سیاست‌های خود را اصلاح نکنند، توسعه اقتصادی محقق نخواهد شد. به این دلیل از اواسط دهه 1990 با پیدایش و رواج مکتب نهادگرایی و با توصیه سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مؤلفه‌های حکمرانی به عنوان کلید توسعه مطرح گردید. کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد و این مهم با بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب محقق می‌شود. حکمرانی خوب به این مفهوم است که فرایندها و نهادها، منجر به نتایجی می‌شوند که نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند و در عین حال بهترین بهره‌برداری از منابع در اختیار را امکان‌پذیر می‌نمایند. حکمرانی خوب، بسترساز توسعه‌ای پایدار و بلندمدت است؛ لذا تأثیر بسزایی بر جذب سرمایه‌گذاری

1- Foreign Direct Investment (FDI)

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

مستقیم خارجی و افزایش اشتغال دارد. با توجه به مطالب بیان شده، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اشتغال را در کشورهای درحال‌توسعه افزایش می‌دهد.

- حکمرانی خوب، اشتغال را در کشورهای درحال‌توسعه افزایش می‌دهد.

لذا به منظور اثبات این فرضیه‌ها، به بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنار حکمرانی خوب بر اشتغال در 95 کشور درحال‌توسعه پرداخته می‌شود. علاوه بر این، کشورهای درحال‌توسعه در دو گروه نفت‌خیز و غیرنفتی هستند و شرایط این دو گروه از کشورها با یکدیگر متفاوت است؛ لذا تأثیر فوق برای این دو گروه از کشورها برای دوره زمانی 2014-2000 جداگانه بررسی می‌گردد تا مشخص شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی خوب در هر دو گروه چه تأثیری دارد. گروه اول پنج کشور درحال‌توسعه نفت‌خیز و گروه دوم 90 کشور درحال‌توسعه غیرنفتی (این کشورها با توجه به اطلاعات در دسترس برای دوره زمانی مورد نظر انتخاب شده‌اند) هستند.

2- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

جود و سیلاگی[1] (2016) با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال 20 کشور اروپای شرقی و اروپای مرکزی برای دوره زمانی 2012-1995 پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای یک اثر اولیه منفی بر تقاضای نیروی کار و در نتیجه، اشتغال تنها برای کشورهای اتحادیه اروپا است اما برای سایر کشورهای اروپایی، این اثر صادق نمی‌باشد.

باجو و دیاز[2] (2015) تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر را برای دوره زمانی 2011-1995 برای کشور اسپانیا تخمین زده‌اند. نتایج آنان حاکی از تأثیر مثبت اما اندک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای نیروی کار است. بدین صورت که این اثر، منجر به افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های اسپانیا و در نتیجه، افزایش تقاضای آنان برای نیروی کار داخلی می‌شود اما این اثر تنها برای کشورهای غیر از اتحادیه اروپا منفی است.

میِم[3] (2015) تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بازار نیروی کار در 48 کشور جنوب صحرای آفریقا را با استفاده از داده‌ها پانل و روش OLS برای دوره زمانی 2011-1991 بررسی کرده است. نتایج وی نشان‌دهنده این است که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال مثبت و معنادار بوده است.

زاپکاوو[4] و همکاران (2014) رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال داخلی را برای بنگاه‌های کوچک‌مقیاس و متوسط در کشور آلمان بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی آنان نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی، تأثیر مثبت و سرمایه‌گذاری عمودی، تأثیر منفی بر اشتغال داخلی دارد. همچنین آنها نتیجه گرفتند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی در ترکیب با انگیزه توسعه بازار خارجی، منجر به اثر مثبت مورد انتظار در اشتغال بازار داخلی می‌شود.

کریگول[5] (2006) رابطه بین اشتغال و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی 20 کشور انگلیسی و هلندی زبان کشورهای حوزه کارائیب را با استفاده از روش داده‌های تابلویی و برای دوره زمانی 1990 - 2000 بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهند که یک واحد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش اشتغال کشورهای مورد بررسی می‌شود.

1- Jude and Silaghi
2- Bajo-rubio and Diaz-mora
3- Mayom
4- Zapkau
5- Craigwell

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

ب) پژوهش‌های داخلی

سلاطین و جهانی (1393) به بررسی چگونگی و میزان اثرگذاری کیفیت حکمرانی بر اشتغال در گروه کشورهای منتخب با درآمد بالا و درآمد متوسط پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی 2009-1996 نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی، تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال در گروه کشورهای منتخب دارد. به عبارت دیگر، بهبود حکمرانی، سبب افزایش اشتغال در گروه کشورهای منتخب شده است.

شاه‌آبادی و همکاران (1392) با استفاده از داده‌های پانل برای دوره زمانی 2010-1996 به بررسی اثر حکمرانی بر رشد بیکاری در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه پرداخته‌اند. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق پس از انجام آزمون ایستایی متغیرها، از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای تخمین مدل استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از اثر منفی و به لحاظ آماری معنادار شاخص‌های حکمرانی به جز شاخص شفافیت و پاسخگویی و کیفیت مقررات تنظیمی در کشورهای درحال‌توسعه بر رشد بیکاری در هر دو دسته از کشورهای موردمطالعه می‌باشد.

فدایی و کاظمی (1391) در مقاله‌ای با هدف تحلیل اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سطح اشتغال کشور طی دوره زمانی 1349-1389 با استفاده از مدل خودتوضیح با وقفه‌های گسترده روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای موجود، نشان دادند که سرمایه‌گذاری مستقیم در هر دو دوره کوتاه‌مدت (0/1286) و بلندمدت (0/1261) به طور مستقیم و معنی‌داری بر سطح اشتغال تأثیرگذار است؛ به طوری که جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرایند ایجاد اشتغال را بهبود بخشیده است. ضریب جمله تصحیح خطا (ECM) به‌دست آمده در این مدل، نشان می‌دهد که در هر دوره 10/2درصد از عدم‌تعادل در اشتغال تعدیل شده و به سمت روند بلندمدت خود نزدیک شده است. آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ نیز نشان می‌دهد که ضرایب تخمین در طول دوره مورد مطالعه باثبات هستند.

طالع‌پور اردکانی و خواجه محمودآبادی (1394) به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر کاهش بیکاری در ایران پرداختند. در این پژوهش از آمارهای مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و بانک جهانی مربوط به نرخ بیکاری و میزان سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های 92-1390 استفاده گردید. نتایج تحقیق، وجود ارتباط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین متغیرهای مستقل و نرخ بیکاری را تأیید کردند و فرضیه‌های تحقیق در بلندمدت و کوتاه‌مدت و در قالب الگوی OLS و VAR مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج بررسی فرضیات تحقیق، وجود ارتباط مثبت و معنادار بین تولید ناخالص داخلی با نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. همچنین در مدل مورد بررسی ارتباط منفی و معنادار بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تقاضای داخلی و متوسط حقوق با نرخ بیکاری تأیید شد.

3- مبانی نظری

انباشت سرمایه، یکی از پیش‌نیازهای اساسی فرایند رشد اقتصادی به شمار می‌رود که می‌تواند از منابع داخلی یا خارجی تأمین شود. امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه ناکافی بودن منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. منابع مالی خارجی علاوه‌بر اینکه شکاف پس‌اندازی سرمایه‌گذاری را پر می‌کند آثار مثبتی بر اقتصاد کشور دارد و به عنوان مکمل پس‌اندازهای داخلی موجب کاهش هزینه سرمایه شرکت‌های داخلی، انتقال دانش فنی و شیوه‌های مدیریتی می‌شود (میرزاخانی، 1391). سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد.

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

تعاریف مختلفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. در تعریف صندوق بین‌المللی پول (IMF) [1] سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از: سرمایه‌گذاری برای کسب منافع بلندمدت در شرکتی که در اقتصادی به غیر از اقتصاد سرمایه‌گذار، فعالیت می‌کند. هدف سرمایه‌گذار در این نوع سرمایه‌گذاری، داشتن نقش فعال پول و مؤثر در مدیریت شرکت است (جهانگرد و شیرمرد، 1392). طیف اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار گسترده است؛ مانند تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال تکنولوژی و تکنیک‌های تولید، تقویت و گسترش منابع مهم مالی و بین‌المللی، افزایش تحقیق و توسعه، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها، افزایش قدرت رقابت و رشد تکنولوژی ملی و ظرفیت کار و رشد مؤسسات و شرکت‌های داخلی که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگی‌هایی می‌باشد (استادی و همکاران، 1392)؛ لذا همه کشورها به خصوص کشورهای درحال‌توسعه که با کمبود سرمایه‌گذاری داخلی مواجه هستند سعی دارند تا با برقراری شرایط مناسب و اتخاذ تدابیری از جمله امنیت اقتصادی و سیاسی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب، پرورش نیروی انسانی و ... زمینه جذب این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها را به منظور افزایش فرصت‌های شغلی برای مردم محلی و در نتیجه افزایش تولید، زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی در کشور خود فراهم سازند. شایان ذکر است که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال از یک طرف به میزان توسعه‌یافتگی و آماده بودن بسترهای مناسب در این کشورها و از طرف دیگر، به سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تأمین منابع مالی مورد نیاز این کشورها بستگی دارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو دسته تقسیم می‌شود: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی به طور عمده در میان کشورهای پیشرفته صنعتی که از نظر امکانات تولید و موجودی عوامل یکسان هستند تعریف می‌شود. در این حالت شرکت‌های چندملیتی، با ایجاد بنگاه‌های جدید در دیگر کشورها، به جای صادرات کالا یا خدمات، خود بنگاه را انتقال می‌دهند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی نیز که اهمیت ویژه‌ای دارد، بین کشورهایی است که از نظر امکانات تولید و موجودی عوامل، یکسان نیستند. این سرمایه‌گذاری در صورتی اتفاق می‌افتد که یک صنعت، به دو عامل نیروی کار ماهر و و نیروی کار غیرماهر نیاز داشته باشد. در این حالت، انتقال بخشی از کارخانه به کشوری که دارای نیروی کار غیرماهر فراوان و ارزان است، سودمند خواهد بود. بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری، مکمل تجارت است. معمولاً شرکت‌های چندملیتی، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری و عمده‌ترین مالکیت را دارند؛ لذا این گونه شرکت‌ها حق امتیاز خود را به شرکت‌های خارجی نمی‌دهند و آنها فقط به دلیل عوامل تولید و مواد اولیه به کشورهای میزبان انتقال می‌یابند و در صورتی‌که بتوانند مواد اولیه و واسطه‌ای را از کشورهای دیگر با هزینه حمل‌ونقل پایین وارد کنند، این نوع سرمایه‌گذاری را انجام نمی‌دهند (میرزایی و آقاجانی، 1388). این نوع از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بیشتر در کشورهای درحال‌توسعه صورت می‌گیرد و می‌تواند برای آنها مفید باشد؛ زیرا این کشورها نیروی کار فراوان و ارزان دارند که مورد توجه شرکتی‌های چندملیتی است و این شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری می‌توانند از این پتانسیل استفاده کنند.

عوامل بسیاری در جذب سرمایه‌های خارجی، مؤثر هستند و به منظور جذب این سرمایه‌ها، دولت‌ها باید با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای سیاست‌های اقتصادی و سیاسی، این عوامل را به وجود آورند. دولت به عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی باید با ایجاد نهادهای کارآمد، زیرساخت‌ها و محیط مناسب و همچنین تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کارآمد به عنوان دست

1- International Monetary Fund

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

یاری‌دهنده بـازار، موجبـات رشـد و توسـعه اقتصـادی را فراهم کنند. برای آن‌که دولت بتواند وظـایف خـود را بـه درستی انجام دهد باید از چندین ویژگی برخوردار باشـد که این ویژگی‌ها در قالب حکمرانی خوب تعریف می‌شود.

بانک جهانی، حکمرانی را شیوه اسـتفاده از قـدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی بـه توسـعه پایـدار تعریـف مـی‌کنـد. مطـابق ایـن تعریـف، کشورهای عضو بایـد بـه بهبـود سـازوکارهای تخصـیص منابع، فرایندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌هـا و روابط بین شهروندان و حکومت بپردازنـد. ایـن سـازمان، حکمرانی خوب را بـه عنـوان سـنت و نهادهـایی تعریـف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمـومی در یـک کشـور اعمـال مـی‌شـود (کریمـی و همکـاران، 1396).

حکمرانی خوب با تأثیری که بـر سـایر متغیرهـای سیاسی و اقتصادی (از جمله ایجاد سـازوکارهای مناسـب می‌تواند منجر به جذب بیشـتر سـرمایه‌گـذاری مسـتقیم خارجی شود) دارد، می‌تواند منجـر بـه افـزایش اشـتغال شود که در قسمت ذیل به برخـی از ایـن مکانیسـم‌هـای اثرگذاری اشاره شده است:

- حق اظهارنظر و پاسخگویی: این مؤلفـه از طریـق افزایش کارایی بازارهـا، کشـف قیمـت واقعـی، تخصـیص بهینه منابع سرمایه‌ای، حذف رانت‌های اطلاعاتی، انتقـال دارایی‌های نقد به سـمت فعالیـت‌هـای تولیـدی، کـاهش ریسک فعالیت‌های تولیدی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند محیطی به دور از هر گونـه تهدیـدی را برای فعالان اقتصادی هم در سـطح خـرد و هـم اقتصـاد ملی فراهم کند که این امر سطح اشـتغال یـک کشـور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (شاه‌آبادی و همکاران، 1392).

- ثبات سیاسی: درگیری‌هـای جنـاحی، نـزاع‌هـای داخلی و غیـره کـه نشـان از وجـود بـی‌ثبـاتی در کشـور می‌باشد، به دنبال خود باعـث افـزایش ریسـک و کسـب نااطمینانی در فضای اقتصادی و فرار سرمایه‌هـا از داخـل به خارج مـی‌گـردد کـه موجـب کـاهش سـرمایه‌گـذاری داخلی و خارجی و کاهش رشد تولید و اشتغال و افزایش بیکاری می‌شـود و بـه تبـع آن، افـزایش فقـر و نـابرابری می‌گردد (زاینده‌رودی و همکاران، 1396).

- کارایی و اثربخشی دولت: این معیار بر استفاده از منـابع موجـود بـرای تـأمین نیازهـای شـهروندان، ارائـه خدمات شهری و رضایت مـردم اسـتوار اسـت (طیبـی و همکـاران، 1394). وجـود دسـتگاه اداری کارآمـد و بـالا بودن تعهد دولت به اجرای سیاسـت‌هـا کـه در اثـر یـک دولت کارآمد به وجود می‌آید موجب می‌شود که اعتمـاد افراد جامعه به دولت بیشتر شـود و دولـت را در راسـتای اجرای هرچه بهتر سیاست‌ها کمک کنند. از طرف دیگـر، وظایف دولت همچـون تـأمین و فـراهم کـردن کالاهـا و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکـی مـورد نیـاز در فرایند تولید، تسـهیل و انتقـال فنـاوری، آمـوزش و ... از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی برای بنگـاه‌هـا موجـب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولید و در نهایت رشد اشتغال خواهد شد.

- کیفیت قوانین و مقررات: دولت می‌تواند با وضـع قوانین کارآمد نقش قابل‌توجهی در بسترسازی لازم برای کـارکرد مناسـب سـایر نهادهـا، کـارکرد بـازار، رونـق فعالیت‌هـای تولیـدی و اقتصـادی داشـته باشـد. تـدوین مقررات با کیفیت و شفاف نه تنها منجر به خـارج نشـدن سرمایه‌های داخلی می‌شود بلکه سرمایه‌گـذاری مسـتقیم خارجی را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا شـرکت‌های خـارجی در کشـورهایی سـرمایه‌گـذاری می‌کننـد کـه قـوانین و مقررات آن شفاف است و در راستای حمایت از آنان باشد تـا آنـان بتواننـد بـا اعتمـاد بیشـتری در آن کشـور سرمایه‌گذاری کنند؛ این امر باعـث افـزایش فعالیت‌هـای تولیدی می‌شود که حاصـل آن، مشـخص شـدن حقـوق مالکیت، اطلاعات، فرصت‌ها، هزینه‌ها، منافع و ... خواهـد بود (سامتی و همکاران، 1390).

- حاکمیت قانون: حاکمیت قانون از طریق حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجـرای قراردادهـا بـر اشـتغال افراد تأثیرگذار است. هرچه حقوق مالکیـت پیشـرفته‌تـر

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

باشد، انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود؛ زیرا مالکان به حصول سود سرمایه‌گذاری خود در آینده مطمئن خواهند بود. هم‌چنین زمانی که افراد، اختیار دارایی خود را داشته باشند می‌توانند بر روی آنها تجارت کنند. حسن اجرای قراردادها نیز با ایجاد اعتماد بیشتر در سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی، به تسریع رشد اقتصادی کمک می‌کند. همچنین حاکمیت قانون از طریق توسعه بازارها، اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نهایتاً حاکمیت قانون می‌تواند از طریق تشویق کارآفرینی و توسعه کسب و کار نیز بر رشد اشتغال تأثیر بگذارد (حیدری و علی‌نژاد، 1393).

- کنترل فساد: فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر تأثیر دارد و از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و کاهش درآمدهای مالیاتی، موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌شود (فدایی و همکاران، 1396). فساد مالی، ابتدا با کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، مانع از رشد اقتصادی می‌شود و آن را کاهش می‌دهد. سپس با ایجاد تغییر ساختار مخارج دولت از افزایش رشد جلوگیری می‌کند. در واقع فساد مالی از مسیرهای مختلف رشد اقتصادی را تضعیف می‌کند. این معضل اجتماعی با ایجاد انحراف در تخصیص منابع و انگیزه‌ها از گسترش مکانیزم بازار جلوگیری می‌کند. همچنین، تضعیف حقوق مالکیت و عدم‌تضمین منافع ناشی از مفاد قراردادها را به همراه دارد و به ضرر بنگاه‌های کوچک عمل می‌کند، با توجه به نقش تعیین‌کننده بنگاه‌های کوچک در رشد اقتصادی این پدیده نامطلوب، به فرایند رشد لطمه وارد می‌سازد. گسترش فقر از طریق وسعت یافتن فساد، مانع دیگری است که در مقابل رشد اقتصادی قرار می‌گیرد (کریمی پتانلار و همکاران، 1396).

4- روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و حکمرانی خوب (GG) بر اشتغال برای دوره زمانی 2014-2000 برای 95 کشور درحال‌توسعه می‌باشد. با توجه به اینکه کشورهای درحال‌توسعه، به دو گروه کشورهای نفت‌خیز و غیرنفتی تقسیم می‌شوند و ساختاری اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی و سیاسی این دو گروه، متفاوت از یکدیگر است؛ تأثیر این دو متغیر در هر دو گروه از کشورها، به صورت مجزا بررسی می‌شود. کشورهای درحال‌توسعه نفت‌خیز عبارتند از: اکوادور، ایران، عراق، نیجریه و ونزوئلا. کشورهای درحال توسعه غیرنفتی عبارتند از: آلبانی، ارمنستان، بلاروس، بلیویا، بسنی و هرزگوین، برزیل، بورکینافاسو، چین، کاستاریکا، قبرس، جمهوری دومینیکن، مصر، اریتره، فیجی، گابن، گامبیا، گرجستان، گویان، هایتی، هندوراس، جامایکا، اردن، کنیا، لائوس، لبنان، لیبریا، مقدونیه، ماداگاسکار، مالاوی، مالدیو، مالی، موریس، مولدووا، مغولستان، مراکش، موزامبیک، نامیبیا، نپال، نیکاراگوئه، نیجر، روسیه، سنگال، سیرا لئون، جزایر سلیمان، سومالی، آفریقای جنوبی، سوازیلند، تانزانیا، تایلند، توگو، تونس، اوگاندا، اوکراین، زامبیا، زمباوه، آذربایجان، بنگلادش، بلیز، بنین، بلغارستان، کامرون، آفریقای مرکزی، چاد، کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، کنگو، اتیوپی، غنا، گواتمالا، گینه، گینه بیسائو، هند، اندونزی، قزاقستان، قرقیزستان، مالزی، موریتانی، مکزیک، میانمار، پاکستان، رومانی، صربستان، سودان، سورینام، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، ازبکستان، ویتنام و یمن.

داده‌ها و آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی خوب برای این کشورها از بانک جهانی گرفته شده و با کمک نرم‌افزار Eviews9 تخمین‌زده شده است. مدل رگرسیون مورد استفاده به صورت زیر می‌باشد:

$$EMP_t = \alpha + \beta_1 FDI_t + \beta_2 GG_t + U_t \qquad (1)$$

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

EMP_t اشتغال در زمان حال، FDI_t سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمان حال و GG_t حکمرانی خوب در زمان حال می‌باشد.

بـرای تعیـین نـوع روش تخمـین مـدل از آزمـون هاسمن[1] استفاده مـی‌شـود. آزمـون هاسـمن بـه منظـور مقایســه دو برآوردگــر آثــار ثابــت و تصــادفی اســت. فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر است:

- فرضیه H_0: روش اثرات تصادفی کاراتر است.
- فرضیه H_1: روش اثرات ثابت کاراتر است.

اگر فرضیه H_0 رد شود؛ یعنی تأیید اثرات ثابـت در برابر اثرات تصادفی و برای بـرآورد مـدل بـا اثـرات ثابـت استفاده می‌شود. اما اگر فرضیه H_0 تأیید شود به معنـای تأیید اثرات تصادفی است.

روش حداقل مربعات معمولی تعمیم‌یافته (GLS)

یکی از مهم‌ترین مفروضات مدل کلاسـیک خطـی این است که واریانس هر جزء خطـا بـه شـرط معینـی از متغیرهای توضیحی، مقدار مساری با σ^2 می‌باشد. فرضی که اگر برقرار نباشـد تخمـین‌زن خطـی، دیگـر، بهتـرین نخواهد بود و لذا روش حداقل مربعات تعمیم‌یافتـه مـورد استفاده قرار خواهد گرفت که به طور خلاصه به آن اشاره شده است. بنابراین فرض می‌کنیم مدل رگرسـیونی زیـر وجود دارد.

$$y = X\beta + u, E(uu^T) = \Omega \tag{2}$$

با این شرط که امگا یا همـان مـاتریس کوواریـانس جملات خطا یک ماتریس مثبت معین است. همان طـور که می‌دانیم معادله 2 یک مدل رگرسیون خطی ساده بـا جمـلات خطـای دارای واریـانس یکسـان و هـم چنـین غیروابسـته اسـت. در صـورتی کـه Ω قطـری بـا مقـادیر متفاوت روی قطر اصلی باشد، جملات خطا به هم وابسته نیستند اما شرط واریانس همسانی برقرار نخواهـد بـود و در صورتی که ماتریسΩ قطری نباشد، عناصـر خطـا بـه هم وابسته خواهند بود. در اقتصادسـنجی قطـری نبـودن ماتریس عناصر خطا اغلب در هنگام کار بر روی داده‌های سری زمانی به وجـود می‌آیـد. در چنـین حـالتی عناصـر خطا در داده‌هایی که به لحاظ زمانی به هم نزدیـک‌ترنـد وابستگی بالاتری دارند.

در ادامـه بـا معرفـی مـدل تعمـیم‌یافتـه کمتـرین مربعات نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان یک برآوردگـر کارا برای تخمین بردار β در معادله 2 به دست آورد کـه شرایط قضیه گاووس- مـارکوف را بـرآورده کنـد (خـادم غوثی، 1391).

برآوردگر تعمیم‌یافته کمترین مربعات

برای به دسـت آوردن برآوردگـر کـارا بـرای بـردار پارامترهـایβ در یـک مـدل رگرسـیون خطـی، از مـدل تبدیل یافته‌ای اسـتفاده می‌شـود کـه شـرایط گـاووس- مارکوف را محقق می‌کند.

تخمین پارامترهای مدل تبدیل یافته با اسـتفاده از روش کمترین مربعات معمولی، منجـر بـه دسـت آوردن کاراترین تخمین‌زن خواهد شد. این تبدیل با اسـتفاده از ماتریس Ψ که اغلب یک ماتریس بالا مثلثـی اسـت و در نامساوی زیر صدق می‌کند، انجام می‌شود.

$$\Omega^{-1} = \Psi\Psi^T \tag{3}$$

با استفاده از چنین ماتریسی می‌تـوان اثبـات کـرد. بنابراین داریم:

$$\Omega = \sigma^2 I \tag{4}$$

از آن جایی که مـاتریس واریـانس کوواریـانس Ω وارون‌پذیر است؛ ماتریس Ψ نیز وارون‌پذیر خواهد بـود و بنابراین معادله رگرسیون تبدیل شده با معادله رگرسیون اصـلی معـادل خواهـد بـود. تخمـین‌زن روش کمتـرین مربعات عـادی بـرای بـردار پارامترهـای β در معادلـه 4 چنین خواهد بود.

$$\hat{\beta} = (X^T\Psi\Psi^T X)^{-1}X^T\Psi\Psi^T y = (X^T\Omega^{-1}X)^{-1}X^T\Omega^{-1}y \tag{5}$$

این تخمین‌زن، برآوردگر کمترین مربعات عمـومی نـام دارد و بـه سـادگی می‌تـوان نشـان داد مـاتریس

1 Hausman test

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

کوواریانس خطاهای تبدیل‌یافته Ψ^T u یک ماتریس همانی است.

$$E(\Psi^T uu^T\Psi) = \Psi^T E(uu^T)\Psi = \Psi^T(\Psi\Psi^T)^{-1}\Psi = I \quad (6)$$

از آنجا که β^ به دست آمده همان برآورد با استفاده از روش کمترین مربعات عادی برای معادله تبدیل یافته است. ماتریس کوواریانس آن به راحتی با جایگزین نمودن Ψ^T X به جای X به صورت استاندارد به دست می‌آید.

$$Var(\hat{\beta}) = (X^T\Psi\Psi^T X)^{-1} = (X^T\Omega^{-1}X)^{-1} \quad (7)$$

برای آنکه معادله فوق برقرار باشد، تحقق شرایط قضیه گاوس- مارکوف الزامی است. به عبارتی Ω باید ماتریس کوواریانس شرطی خطا نسبت به متغیر توضیح‌دهنده باشد. بنابراین Ω می‌تواند به X یا هر متغیر برون‌زای دیگری وابسته باشد.

روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی

اصولاً اطلاعات در مورد اینکه واریانس با چه تناسبی نسبت به متغیرهای توضیحی تغییر می‌کند بسیار ناقص و اندک است؛ از این رو روش‌های پیشنهاد شده در روش GLS زمانی کاربرد دارد که این اشکال، روشن و مشخص باشد. اما این شرط در دنیای واقع، به ندرت صادق است و به‌دست آوردن یک برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی که در آن پارامترهای مجهول جای خود را به برآوردهای سازگار می‌دهند اهمیت پیدا می‌کند که در این مطالعه بر آن تأکید شده است. لذا پارامتری به عنوان شیب تعدیل واریانس ناهمسانی تخمین و بر اساس آن ناهمسانی واریانس‌ها برطرف می‌گردد. پس با فرض برقراری رابطه فوق و انجام عملیات ریاضی در رابطه زیر:

$$Var(\varepsilon i)=E(\varepsilon i^2) =\sigma^2\ Xi.^h$$

$$\ln(\varepsilon i) = \ln(\sigma^2) + h\ln(Xi\ ) + \zeta i \quad (8)$$

پارامتر h شیبی است که وزن و شکل واریانس ناهمسانی را مشخص می‌کند که در روش EGLS نیز بر اساس آن به برآورد داده‌ها می‌پردازد.

5- یافته‌های تحقیق

اکنون با توجه به توضیحات بالا، با استفاده از روش EGLS به برآورد مدل برای 95 کشور مورد مطالعه پرداخته می‌شود. نتایج برآورد در جدول 1 آورده شده است.

جدول 1- برآورد مدل برای کشورهای درحال‌توسعه

متغیرها	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال
FDI	4.46E-11	19/57621	0/000
GG	-3/924776	-49/46043	0/000

prob نشان می‌دهد که هر دو ضریب در سطح 5 درصد، معنی‌دار هستند. همچنین نتایج تخمین، حاکی از آن است که FDI دارای تأثیر مثبت بر اشتغال است اما حکمرانی خوب، تأثیر منفی بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه دارد.

حال به منظور تخمین مدل برای کشورهای درحال‌توسعه نفت‌خیز و غیرنفتی به طور مجزا، با استفاده از نتایج آزمون هاسمن به تخمین مدل پرداخته می‌شود. نتایج آزمون هاسمن که در جدول 2 آمده است نشان می‌دهد که مقدار آماره خی‌دو برابر 15/301029 و مقدار احتمال آزمون نیز کمتر از 0/05 است و برای برآورد مدل باید از الگوی داده‌های پانل با اثرات ثابت استفاده کرد.

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

جدول 2- نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای درحال‌توسعه نفت‌خیز

آزمون هاسمن	
Chi-Sq.Statistic	15/301029
Prob	0/005

براساس نتـایج آزمـون فـوق بـا اسـتفاده از الگـوی داده‌های پانل با اثرات ثابـت بـه تخمـین مـدل پرداختـه می‌شود. نتایج به‌دست آمده در جدول 3 نشان داده شده است.

جدول3- برآورد مدل برای کشورهای درحال‌توسعه نفت‌خیز

متغیرها	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال
FDI	4.07E-11	2/612090	0/0116
GG	3/078987	2/961705	0/00045

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار ضـرایب FDI برابر 4.07E-11 و برای GG نیز 3/078987می‌باشـد. prob نشان می‌دهد که هر یـک از ضـرایب در سـطح 5 درصد معنی‌دار هستند. به عبارت دیگـر، نتـایج تخمـین، حاکی از آن است که سرمایه‌گـذاری مسـتقیم خـارجی و حکمرانی خوب بر اشتغال در کشـورهای درحـال‌توسـعه نفت‌خیز دارای اثر مثبت و معناداری است.

برای کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی نیـز آزمـون هاسـمن را هماننـد بـالا انجـام مـی‌دهیم. نتـایج آزمـون هاسمن که در جدول 4 آورده شده‌اند، نشان می‌دهد کـه فرضیه H_0 تأیید شده است و برای تخمین مدل بایـد از الگوی داده‌های پانل با اثرات تصادفی استفاده کرد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون هاسمن، بـا استفاده از اثرات تصادفی بـه بـرآورد مـدل مـی‌پـردازیم. نتایج برآورد مدل در جدول 5 نشان داده شده است.

جدول 4- نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی

آزمون هاسمن	
Chi-Sq.Statistic	3/814313
Prob	0/1485

جدول 5- برآورد مدل برای کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی

متغیرها	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال
FDI	-1.49E-11	-3/335633	0/0009
GG	-2/028849	-6/356582	0/0000

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب FDI، 1.49E-11- و ضریب GG نیز 2/028849- می‌باشد. prob نشان می‌دهد که هر یک از ضرایب در سطح 5 درصد معنی‌دار هستند. اما نتایج تخمین حاکی از آن است که اثر FDI و حکمرانی خوب بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی، منفی است.

6- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از دهه 1980 به عنوان یکی از منابع مهم تأمین‌کننده سرمایه کشورها مورد توجه قرار گرفت. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو روش مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند بر اشتغال اثر بگذارد. بدین صورت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور مستقیم اشتغال را از طریق ایجاد شرکت‌های خارجی فعال و کسب و کار جدید در کشورهای میزبان تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا این شرکت‌ها در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بتوانند از مزیت نسبی نیروی کار محلی کشور میزبان بهره‌مند گردند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق بهبود تخصیص منابع، انتقال تکنولوژی و افزایش ظرفیت تولید نیز به طور غیرمستقیم بر اشتغال اثر می‌گذارد. علاوه براین، با توجه به نقش تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز دولت، این نهاد به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. با افزایش کارایی این نهاد، سیاست‌های اقتصادی از جمله سیاست‌های اشتغال‌زا از کامیابی بیشتری برخوردار خواهند شد. حکمرانی خوب با تأثیری که بر سایر متغیرهای اقتصادی و سیاسی دارد می‌تواند منجر به افزایش اشتغال گردد. این شاخص، از یک سو از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب (ثبات سیاسی، حمایت از اجرای قراردادها و...) منجر به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود و از این طریق بر اشتغال اثر گذارد، از سوی دیگر، شاخص‌های حکمرانی خوب با تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی، پایداری و ثبات سیاسی، بالا بودن تعهد دولت، وضع قوانین کارآمد، حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی، فکری و ضمانت اجرای قراردادها و کنترل فساد بر افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تولید داخلی می‌گردد و از این طریق منجر به افزایش اشتغال می‌شود.

به منظور بررسی دقیق‌تر اثرات فوق، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و حکمرانی خوب (GG) بر اشتغال برای دوره زمانی 2014-2000 برای 95 کشور درحال‌توسعه نفت‌خیز و غیرنفتی (5 کشور نفت‌خیز و 90 کشور غیرنفتی) به طور جداگانه بررسی گردید. به منظور تخمین مدل با استفاده از داده‌های پانل، از آزمون هاسمن استفاده شده است.

نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای درحال‌توسعه نفت‌خیز نشان می‌دهد که باید از الگوی داده‌های پانل با اثرات ثابت به منظور برآورد مدل استفاده کرد. نتایج تخمین آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره t برای FDI، 2/612090 و برای GG نیز 2/961705 می‌باشد. ضرایب این دو متغیر نیز نشان می‌دهد که این دو متغیر دارای اثرات مثبتی بر اشتغال هستند. از طرف دیگر، نتایج برآورد مدل برای کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی نیز نشان می‌دهد که مقدار ضرایب برای FDI، 1.49E-11- و برابر GG، نیز 2/028849- است. همچنین در سطح 5 درصد معنی‌دار است. نتایج تخمین حاکی از آن است که اثر FDI و حکمرانی خوب بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه غیرنفتی، منفی است.

اما در حالت کلی، نتایج تخمین حاکی از آن است که اثر FDI بر اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه (نفت‌خیز و غیرنفتی) مثبت است و افزایش FDI می‌تواند اشتغال را افزایش دهد. لذا فرضیه اول، مبنی بر این‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشتغال را در کشورهای درحال‌توسعه افزایش می‌دهد، تأیید می‌شود

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

اما GG دارای اثر منفی بر اشتغال می‌باشد و فرضیه دوم مبنی بر اثر مثبت حکمرانی خوب بر اشتغال، رد می‌گردد. به بیان دیگر، با برقراری زیرساخت‌های مورد نیاز و رفع موانع در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین بهبود شاخص‌های حکمرانی از قبیل برقراری ثبات سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت افراد، کنترل فساد و ... می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های اشتغال‌زا در کشورهای درحال‌توسعه می‌تواند اشتغال را بهبود بخشد.

7- منابع

استادی، حسین؛ رفعت، بتول؛ رئیسی، عباسعلی. (1392). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی ایران (1387-1357) و بررسی رابطه متقابل آنها. *نشریه تحقیقات توسعه اقتصادی*، شماره 9، 172-147.

جهانگرد، فاطمه؛ شیرمرد، روح‌اله. (1392). بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید ناخالص داخلی در ایران. *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی.*

حیدری، حسن؛ علی‌نژاد، رقیه. (1393). بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی. *نشریه دانشنامه حقوق اقتصادی*، *21*(5)، 120-98.

خادم غوثی، محمدفرید. (1391). آزمون مانایی با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته دیکی فولر (DF-GLS). *اولین همایش بین‌المللی اقتصادسنجی، روش‌ها و کاربردها.*

زاینده‌رودی، محسن؛ خسروآبادی، محمد؛ شکیبایی، علیرضا. (1396). بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به‌کارگیری پانل داده‌ها (مطالعه موردی: کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا). *نشریه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، *17*(3)، 52-25.

سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت. (1390). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). *فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی*، *1*(4)، 223-183.

سلاطین، پروانه؛ جهانی، طاهره. (1393). تأثیر حکمرانی خوب بر اشتغال در گروه کشورهای منتخب (مطالعه موردی کشورهای با درآمد بالا و درآمد پایین). *دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم.*

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما؛ مریم، خالقی. (1392). تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، *21*(65)، 147-164.

شهبازی، کیومرث؛ فتاحی، سیدیوسف. (1396). بررسی نقش سرمایه در اشتغال‌زایی و افزایش تقاضای نیروی کار در بخش صنعت. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، *17*(1)، 145-162.

طالع‌پور اردکانی، حسین؛ خواجه محمودآبادی، حمید. (1394). تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر کاهش بیکاری در ایران. *اولین همایش ملی عبور از رکود اقتصادی، چالش‌ها و راهکارها.*

طیبی، محمدرضا؛ حسینی، ابوالحسن؛ رضایی، تیمور. (1394). ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در شهرهای مقصد گردشگری به روش IPA (مطالعه موردی: شهر تنکابن). *نشریه گردشگری شهری*، *2*(3)، 231-219.

فدایی، مهدی؛ قلی‌پور مقدم، فرید؛ غفاری، سعید. (1396). شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران. *نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، شماره 32، 88-65.

فدایی، مهدی؛ کاظمی، شایسته. (1391). بررسی اثرات رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سطح اشتغال در ایران (مدل خودتوضیح با وقفه‌های گسترده ARDL). *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، *3*(9)، 84-71.

فرزام، وحید؛ طالقانی، فاطمه؛ خیل‌کردی، ربابه. (1395). تأثیر جهش پولی نرخ ارز بر اشتغال بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، *21*(67)، 83-112.

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]

کریمی پتانلار، سعید؛ گلیک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ نباتی، زهرا. (1396). فساد مالی و اشتغال زنان در کشورهای منتخب. *نشریه پژوهش‌نامه زنان*، *8*(4)، 65-81.

کریمی، محمدشریف؛ حیدریان، مریم؛ دورباش، معصومه. (1396). بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران؛ با رویکرد تصحیح خطای برداری. *نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، *6*(3)، 127-155.

کمیجانی، اکبر؛ قویدل، صالح. (1385). اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال ماهر و غیرماهر بخش خدمات ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، *5*(41)، 29-50.

مهدوی، ابوالقاسم؛ عزیز محمدلو، حمید. (1383). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشورهای درحال‌توسعه. *مجله دانش و توسعه*، شماره 15، 85-69.

میرزاخانی، حسن. (1391). الزامات سرمایه‌گذاری خارجی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. *دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های 7 و 8، 112-93.

میرزایی، حسین؛ آقاجانی، حبیب. (1388). تحلیلی بر تأثیر جهانی شدن بر بازار کار. *نشریه فراسوی مدیریت*، *2*(10)، 219-241.

نجارزاده، رضا؛ ملکی، مهران. (1384). بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، *7*(23)، 163-147.

نصابیان، شهریار. (1385). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره 3، 197-122.

Bajo-Rubio, O., & Diaz-Mora, C. (2015). On the employment effects of outward FDI: the case of Spain, 1995–2011. *Applied Economics*, *47*(21), 2127-2141.

Craigwell, R. (2006). Foreign direct investment and employment in the English and Dutch-speaking Caribbean. *ILO Subregional Office for the Caribbean*.

Habib, M. D., & Sarwar, S. (2013). Impact of foreign direct investment on employment level in Pakistan: A time series analysis. *JL Pol'y & Globalization*, *10*, 46.

Hermes, N., & Lensink, R. (2003). Foreign direct investment, financial development and economic growth. *The Journal of Development Studies*, *40*(1), 142-163.

Jude, C., & Silaghi, M. I. P. (2016). Employment effects of foreign direct investment: New evidence from Central and Eastern European countries. *International Economics*, *145*, 32-49.

Mayom, D. A. (2015). The impact of foreign direct investment on labor market measures: Evidence from Sub-Saharan Africa.

Mucuk, M., & Demirsel, M. T. (2013). The effect of foreign direct investments on unemployment: Evidence from panel data for seven developing countries. *Journal of Business, Economics*, *2*, 3.

Pourshahabi, F., Mahmoudinia, D., & Soderjani, E. S. (2011). FDI, human capital, economic freedom and growth in OECD countries. *Research Journal of Internatıonal Studıes*, *19*, 71-81.

Sarode, S. (2012). Effects of FDI on capital account and GDP: Empirical evidence from India. *International Journal of Business and Management*, *7*(8), p102.

Zapkau, F. B., Schwens, C., & Kabst, R. (2014). Foreign direct investments and domestic employment of German SMEs: The moderating effect of owner management. *Journal of Small Business Management*, *52*(3), 451-476.

[Downloaded from iueam.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.8.31.2.7]